

آواز دُهل

پژوهشی در تعالیم منتسب به

میرزا حسینعلی نوری معروف به بهاءالله

دفتر نهم:

وحدت لسان و خط برای عالمیان

مسعود بسیطی، زهرا مرادی

نشر بهار فشان، تهران، ۱۳۹۱

فهرست

- ۹ تعلیم نهم: وحدت لسان و خط برای عالمیان
- ۱۱ مقدمه
- ۱۳ دیدگاه نخست: آیا این تعلیم، کاملاً جدید است؟
- ۱۹ دیدگاه دوم: آیا خود بهایان و خصوصاً سران ایشان به این تعلیم عامل بوده‌اند؟
- ۲۰ تلنگر اول: چرا بهایان تاکنون خط و زبان مشترکی ابداع نکرده‌اند؟
- تلنگر دوم: چرا با وجود توصیه‌ی عبدالبهاء، بیت‌العدل زبان اسپرانتو را
- ۲۳ انتخاب نکرد؟
- تلنگر سوم: با وجود تعلیم وحدت لسان، چرا بهایان توصیه شده زبان‌های
- ۲۶ فارسی، عربی، انگلیسی، آلمانی و اسپرانتو بیاموزند؟
- تلنگر چهارم: چرا بهایان، تقویم و تاریخ جدیدی ابداع کرده‌اند و از وحدت
- ۳۱ عالم انسانی فاصله گرفته‌اند؟

- تلنگر پنجم: کسی که در یاد گرفتن زبانی غیر از زبان مادری اش مشکل دارد، چگونه دیگران را به این کار امر می‌کند؟ ۳۳
- دیدگاه سوم: آیا این تعلیم، از نظر عقل و منطق، صحیح می‌باشد؟ ۴۱
- بخوانیم و بیاندیشیم! ۵۱
۱. به جز زبان مادری، یک زبان بیاموزیم یا پنج زبان؟ ۵۳
۲. بیا، الله، امی بوده یا درس خوانده؟ ۵۵
۳. علی محمد باب، مدرسه رفته یا نرفته؟ ۵۶
- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۵۹
- ضمیمه: تقویم بهایی ۶۱
- فهرست منابع ۶۵



روند بررسی تعلیم در این کتاب،
بر اساس سه دیدگاه زیر می‌باشد:

دیدگاه نخست:

آیا تعلیم بهایی، گفته‌هایی کاملاً جدیدند؟

دیدگاه دوم:

آیا خود بهاییان و خصوصاً سران ایشان،
به این تعلیم عامل بوده‌اند؟

دیدگاه سوم:

آیا اساساً خود تعلیم، از نظر عقل و منطق،
تعلیم درستی می‌باشند؟



تعلیم نهم:^۱ وحدت لسان و خط برای عالمیان

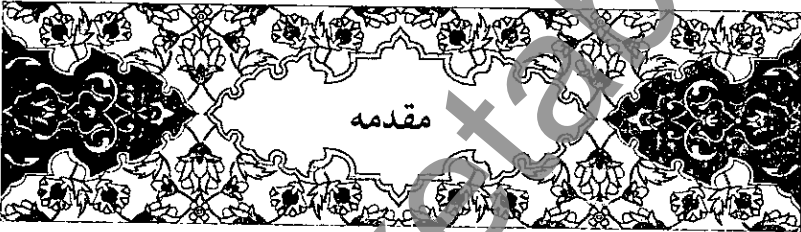


«تعلیم نهم حضرت بهاءالله وحدت لسان است. یک لسان ایجاد شود و آنرا جمیع آکادمی های عالم قبول نمایند یعنی یک کنگره بین المللی مخصوص تشکیل دهند و از هر ملتی نمایندگان و وکلاء دانا در آن جمیع حاضر گردند و صحبت و مشورت نمایند و رسماً آن لسان را قبول کنند و بعد از آن در جمیع مدارس عالم تعلیم اطفال کنند تا هر انسان دو لسان داشته باشد یک لسان عمومی و یک لسان وطنی. تا جمیع عالم یک وطن و یک لسان گردد. زیرا این لسان عمومی از جمله اسباب اتحاد عالم انسانی است.^۲»



۱- البته در جای دیگر عبدالهء، این تعلیم را تعلیم هفتم بهاییان عنوان می کند: "سایه وحدت لسان لازم است": افندی، عباس (مستطرد)، خفیه، تهران: مؤسسه علمی مطبوعات سری، ۱۲۷، مدع، ج ۳، ص ۲۳۰.

۲- همان کتاب، ص ۱۴۹ و ۱۴۸.



مقدمه



مقصود از وحدت لسان و خط، تکلم همه‌ی
انسان‌ها به زبان مشترکی غیر از زبان مادری
است. این زبان مشترک، منجر به اتحاد عالم
انسانی می‌گردد.



عبدالبهاء می‌گوید:

"مسئله لسان بسیار مشکل شده زیرا لسان بسیار است و اختلاف حاصل شده بین جمیع اقوام و طوائف و تا وحدت لسان حاصل نگردد اختلاف مشکل و معاملات مختل است. هر انسان محتاج بلسان‌های بسیار است تا بتواند بجمیع بشر معامله و معاشرت و ملاقات نماید و این مستحیل است. زیرا آنچه تا حال در آکادمی معلوم و مسلم شده هشتصد لسان مبین گشته و از برای انسان تحصیل اینهمه لسان ممکن نیست".

برای جا افتادن مطلب عبدالبهاء داستانی را تعریف می‌کند:

"حکایت کنند که دو نفر بودند که لسان یکدیگر را نمیدانستند. یکی بیمار شد دیگری بی‌عادت او رفت. رفیق از مریض پرسید باشاره که چطور؟ جواب داد: مُردم. ولی رفیق چنین فهمید که میگوید بهترم. گفت الحمد لله. باز باشاره پرسید چه خوردی؟ جواب داد زهر. گفت شفای عاجل است. باز پرسید حکیم تو کیست؟ جواب داد عزرائیل. گفت قدمش مبارک است. شخص ثالث که زبان هر دو را میدانست برفیق گفت: میدانی چه جواب میدهی؟ گفت چون من جنس گمان کردم که میگوید بهترم، گفتم الحمد لله. میگوید فلان دوا خوردم، گفتم شفای عاجل است. میگوید حکیم من فلان کس است، لهذا گفتم قدمش مبارک است. بعد چون فهمید بعکس جواب داده خیلی محزون شد ... خلاصه هیچ چیز بهتر از تفهیم و تفهم نیست و هیچ چیز از عدم تفهیم و تفهم بدتر نه".

۳- افندی، عباس (عبدالبهاء). خطابات. مصر: ناشر فرج الله ذکی الکردی، ۱۳۴۰ ق. ج ۱، ص ۲۳۴.

۴- اشراق خاوری، عبدالحمید. پیام ملکوت. دهلی نو: مؤسسه ملی مطبوعات امری هند، ۱۹۸۶ م. صص ۴۰ و ۴۱. (به نقل از عبدالبهاء)



دیدگاه نخست

آیا این تعلیم، کاملاً جدید است؟

تاکنون، متفکرین متعددی درباره‌ی اینکه تنوع و تعدد زبان‌ها، باعث دردسر و زحمت بشر است، سخن گفته‌اند. ایشان آرزو نموده‌اند یک زبان خاص به عنوان زبان جهانی رایج شود تا افراد بتوانند با یکدیگر بهتر مرادوده داشته باشند.

این آرزو تا به امروز محقق نگردیده است. هر از گاهی فرد یا گروهی زبانی را اختراع یا پیشنهاد می‌کنند اما پس از مدتی، به دلیل عدم استقبال عمومی و یا غیر عملی بودن آن، این موضوع به سردی می‌گراید. به هر حال تاکنون هیچ زبانی به عنوان زبان جهانی از طرف جهانیان برگزیده نشده است.

در تورات آمده که انسان‌ها در ابتدا همه به یک زبان تکلم می‌نمودند ولی خدا از اتحاد ایشان ترسید و زبان آنها را مختلف نمود تا پراکنده گردند. به گفته‌ی تورات، تعدد و پراکندگی زبان‌ها ناشی از مجازات الهی است.^۵

بسیاری از مسیحیان و یهودیان با استناد به فقرات مذکور در تورات، معتقدند تعدد زبان‌ها تنبیهی بوده برای بشر از سوی خدا که موجب بروز آشفته‌گی و مشقت شده است.

البته به عقیده‌ی مسلمانان، این طرز تفکر درباره‌ی خدا و ترس او از اتحاد انسان‌ها صحیح و عقلانی نیست. همانطور که در بخش "دیدگاه صحت این تعلیم" در ادامه شرح داده می‌شود، خدا در قرآن، اختلاف و تنوع زبان را یکی

۵- "در تمامی زمین، زبان و تکلم یکی بود - و واقع شد هنگامی که از طرف شرقی می کوچیدند (اشاره به فرزندان نوح و قبائل آنها است) این که وادی را در زمین شنعار (نام قدیم بابل است) یافتند و در آنجا ساکن شدند - و به همدیگر گفتند: که بیایید تا خشت‌ها را بسازیم، و آنها را به آتش بسوزانیم، و ایشان را خشت به جای سنگ و گِل چرب به جای گِج بود - و گفتند: که بیایید به جهت خود شهری و برجی را که سرش به آسمان بساید بنا کنیم و از برای خود نامی پیدا بکنیم مبادا که بر روی تمامی زمین پراکنده شویم - و خداوند به جهت ملاحظه کردن شهر و برجی که بنی آدمیان می ساختند به زیر آمد - و خداوند گفت: که اینک قوم، یکی اند، و از برای همگی ایشان زبان یکی است و به کردن این کار شروع نموده‌اند و حال از هر چه که قصد ساختنش دارند چیزی از ایشان منع نمی شود - بیا به زیر آییم و در آنجا زبان ایشان را مخلوط نماییم تا آن که زبان همدیگر را نفهمند - و خداوند ایشان را از آنجا بر روی تمامی زمین پراکنده نمود که از بنا کردن شهر باز ماندند - از آن سبب اسمش بابل گذاشته شد؛ زیرا که خداوند تمامی زمین را در آنجا مخلوط نمود، بلکه خداوند ایشان را از آنجا بر روی تمامی زمین پراکنده نمود؛" تورات. سفر پیدایش، باب ۱۱، آیات ۱ تا ۹.

از آیات و نشانه‌های قدرت خویش بیان می‌کند؛ نه راهکاری برای پوشاندن ضعف و ترس خویش.

اما به هر حال از صدها سال پیش، به دنبال این تفکر نادرست توراتی، که خدا از باب مجازات، زبان‌های انسان‌ها را مختلف قرار داده، بسیاری در آرزوی یکی شدن مجدد زبان همه مردم بوده‌اند.

به طور مثال لایب نیتس^۶، آموختن زبان‌های دیگر را ضرورتی اسفانگیز می‌دانست و می‌گوشد زبان را به سمتی پیش برد که کاربرد بیشتر و بهتری در بین مردم داشته باشد.

بالاخره تحت تأثیر تفکرات لایب نیتس و نیز به سبب فرونی تماس‌های بین‌المللی از اواخر قرن نوزدهم، زبان‌های تصنعی جهانی، نظیر "ولاپوک"^۸، "اسپرانتو"^۹ و "ایدو"^{۱۰} به وجود آمد.

۶- "وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَلَابِكُمْ إِن فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَالِمِينَ"؛ قرآن کریم، سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۲.

۷- گوتفرد ویلهلم لایب نیتس در سال ۱۶۴۶ میلادی در شهر لایپزیک آلمانی به دنیا آمد. او گفته است: "می‌دانیم که زبان آینه عقل است و ملل جهان وقتی که عقل خود را اعتلا می‌بخشند زبان را نیز بخوبی به کار می‌برند که یونانیان و رومیان و اعراب از آن جمله‌اند." موضوع سخن او زبان خوش کاربرد (خوش بنیاد) بود که "افق دید عمومی را گسترش می‌دهد".

۸- وولاپوک (Volapük) یک زبان ابداعی است که در سال ۱۸۸۰ از سوی یوهان مارتین اشلیز کشیش کاتولیک آلمانی پدید آمد. نام این زبان از دو واژه وُل و پوک گرفته شده که تحریف شده دو واژه انگلیسی world (جهان) و speak (سخن گفتن) است. این زبان بر واژگان ژرمنی ساده و دستوری منظم مبتنی است. وولاپوک امروزه کمابیش از میان رفته و تنها ۲۵ تا ۳۰ نفر در دنیا به این زبان صحبت می‌کنند. ولی در

البته هیچ کدام از این زبان‌های ساخته شده، مورد اقبال عمومی قرار نگرفت و در نهایت، تنها افراد اندکی این زبان‌ها را فراگرفتند.



افرادى مانند لایب نیتس پیش از بهایان در آرزوى ارائه‌ی یک زبان مشترک بین جهانیان بوده‌اند و تفکرات ایشان منجر به اختراع زبان‌های تصفى گردیده است.



دهه‌ی ۱۸۸۰ در محفل‌های دانشگاهی آلمان ناموری بسزا یافته بود و گویا نزدیک ۵۰۰ هزارتن به فراگرفتن آن مشغول بودند.

۹- دکتر لودویک لازاروس زامنهوف متولد سال ۱۸۵۹ در شهر بیلیستوک در لهستان فعلی، آفریننده‌ی زبان بین‌المللی اسپرانتو در سال ۱۸۸۷ است. زامنهوف یهودی‌تبار بود و با هم‌تبارانش که مثل همیشه از کشورها و خلق‌های گوناگونی بودند، پیوسته در فکر ایجاد زبانی یگانه، برای همگان تلاش می‌کرد. او جدایی و دشمنی ملت‌ها و خلق‌ها را در سوءتفاهم‌های زبانی می‌دید و می‌پنداشت که با ایجاد یک زبان واحد می‌توان این بدی‌ها را از میان برد. در سال ۱۹۱۱ نامه‌ای به کنگره نژادی جهانی نگاشته و در آن لزوم دیانتی جهانی را خاطر نشان ساخته بود. هنگامی که در سال ۱۹۱۷ درگذشت، دخترش لیدیا زامنهوف در آموزش و گسترش زبان اسپرانتو بسیار فعال شده بود. لیدیا زانهوف در طی یکی از کنگره‌های اسپرانتو با بهائیت آشنا شد و در سال ۱۹۲۸ ایمان خود را به این آیین اعلام داشت.

۱۰- ایدو نیز یک زبانی ابداعی است که پس از اسپرانتو می‌توان آن را پراهمیت‌ترین زبان ساختگی جهان دانست. این زبان در اوایل قرن بیستم توسط گروهی از اصلاح طلبان اسپرانتو زبان ابداع شد اما امروز گویش گران بسیار کمی دارد که اکثراً در اروپا هستند. ایدو از نظر دستوری و واژگان بسیار به زبان اسپرانتو شباهت دارد.

به‌علاوه، با بررسی زبان علمی متون تاریخی و کتب دانشمندان گذشته، در می‌یابیم که اغلب اندیشمندان، آثار خود را به زبان علمی خاص همان دوره، نگاشته‌اند. مثلاً بوعلی سینا در دوره‌ای می‌زیست که رونق علم در میان اندیشمندان مسلمان و عرب زبان تا حد زیادی بالاتر از دیگران بود. لذا آثارش را به زبان عربی تألیف نمود تا افراد بیشتری کتاب‌هایش را مطالعه کنند.

پس اینکه آدمی ناچار است به جز زبان مادری، برای ارتباط با دیگران و فهم سخن ایشان، زبان دیگری را که متداول دوره‌اش است، فراگیرد، کشفی جدید نیست و در طول تاریخ، اندیشمندان، بی‌نیاز از الهامات بهاء الله و عبدالبهاء این نکته را رعایت کرده‌اند.

حال بینیم آیا بهاییان پیشنهاد ویژه‌ای در این موضوع دارند؟ آیا زبان خاصی را برای زبان دوم مشترک، پیشنهاد یا اختراع نموده‌اند؟ در دیدگاه دوم به بررسی این مسئله می‌پردازیم.